

THE CHISHTIYYA

Scott Kugle

ROUTLEDGE HANDBOOK
ON SUFISMMADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Edited by Lloyd Ridgeon

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	291671
Tas. No:	297.7 Routledge

Introduction

The Chishtiyya Order is the most popular Sufi Order in South Asia, the region with the densest population of Muslims worldwide.¹ There, it is not just popular but also the most influential Order historically. Chishtiyya acted as unofficial intermediaries between Muslim rulers (centralized Delhi Sultans from 1200 to 1400) and their multi-religious subject populations (predominantly Hindu but also Buddhist, Jain, and Zoroastrian).² Later, Chishtis acted in varied roles as king-makers, popular exemplars, and local literati (in regional Sultanates 1350–1526). The Order's distinctive characteristics include adaptation to the South Asian environment, cultivation of devotional music and meditative techniques, and innovation in language and literature. This chapter provides an overview of the Chishtiyya Order from 1200 until 1560 in order to show its distinctive characteristics. The Chishtiyya Order became a global order in the twentieth century (following currents of British imperialism), which fueled research about it.³ This chapter synthesizes this vast research and guides readers to its sources.

Periodization and development of the Order

What is a Sufi Order? The preeminent contemporary scholars of this Order, Ernst and Lawrence, offer a flexible definition: an Order is a loose network of people and practices joined in a corporate identity linked to a lineage of admired teachers of the past who are invoked in the present through memory and memorialization.⁴ The corporate identity of the Chishtiyya is strong, linked to teachings and personalities of the "great ones" whose tombs are popular pilgrimage places in India and Pakistan. Yet Devin DeWeese cautions against reifying corporate identity of Sufi Orders.⁵ Ernst and Lawrence solve this problem by analyzing the Chishtiyya Order in terms of periods:

- 1 Formative period (seventh to tenth centuries)
- 2 Foundational period at Chisht (tenth to twelfth centuries)
- 3 First Cycle of the Indian Chishtiyya Order (twelfth to fourteenth centuries)
- 4 Second Cycle of the Indian Chishtiyya Order (fourteenth to eighteenth centuries)
- 5 Third Cycle of the Indian Chishtiyya Order (eighteenth to twenty-first centuries)

طبقات الادباء، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره [؟ 1967/1386]؛ ابن جوزی؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، حیدرآباد، دکن 1329-1331، چاپ افست بیروت 1390/1971؛ ابن خلکان؛ ابن ندیم؛ ابوحیان توحیدی، اخلاق الوزیرین: مثالب الوزیرین الصحاب ابن عیاد و ابن العمید، چاپ محمد بن ثابت طنجی، بیروت 1412/1992؛ همو، البصائر و الذخائر، چاپ وداد قاضی، بیروت 1408/1988؛ همو، کتاب الامتاع و الموائسة، چاپ احمد امین و احمد زین، بیروت [بی تا]؛ کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ج 2، نقله الی العربیة عبدالحلیم نجار، قاهره [1974]؛ محمد عبدالمطلب بکاء، منهج ابی سعید السیرافی فی شرح کتاب سبیریہ، بغداد 1990؛ خطیب بغدادی؛ محمد بن حسن زبیدی، طبقات النحویین و اللغویین، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره 1373/1954؛ علی بن یوسف قفطی، انباه الرواة علی انباه النحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ج 1، 1369/1950، ج 2، 1371/1952، ج 4، 1973؛ عبدالله بن اسعد یاقمی، مرآة العجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، حیدرآباد، دکن 1337-1339، چاپ افست بیروت 1390/1970؛ یاقوت بن عبدالله یاقوت حموی، کتاب معجم البلدان، چاپ فردیناند ووستفلد، لایپزیگ 1866-1873، چاپ افست تهران 1965؛ همو، معجم الادباء، چاپ احسان عباس، بیروت 1993؛

Et, s.v. "Srafi, Abū Sa'īd al-Ḥasan b. 'Abd Allāh b. al-Marzubān" (by F. Krenkow); Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Leiden 1967-

زهرآنهاوندی /

سیرا کوز ← سرقوسه

سیرالاولیاء (نام کامل آن: سیرالاولیاء فی محبة الحق جل و علا)، قدیم ترین و معتبرترین تذکره مشایخ سلسله چشتیه به فارسی در شبه قاره هند، نوشته سید محمد بن مبارک علوی کرمانی مشهور به میر / امیرخورد. جد و پدر میرخورد اهل کرمان، ساکن هند و مرید فریدالدین گنج شکر* بودند. میرخورد در هند متولد شد. او در نوجوانی به حلقه مریدان نظام الدین اولیاء* پیوست، سپس مرید نصیرالدین چراغ دهلی* شد (عبدالحق دهلوی، ص 188؛ غلام سرور لاهوری، ج 1، ص 366؛ نیز ← ریو، ج 3، ص 976). علاوه بر این، هم نشینی با ادیبانی چون امیرخسرو دهلوی*، فخرالدین زرادی و ضیاء الدین برنی* در بسط اندیشه و احوال عرفانی او تأثیر گذاشت (رضوی، ج 1، ص 9). وی در زمان حکومت تغلق (752-790) می زیست (ریو، همانجا).

تألیف سیرالاولیاء در پنجاه سالگی میرخورد (← میرخورد،

قفطی (همانجا) برای شناخت بهتر ابوسعید، خوانندگان را به تألیف دیگری از خودش با عنوان المقید فی اخبار ابی سعید ارجاع داده است. رمضان عبدالنواب شروح سیرافی درباره «باب مایحتمل الشعر» از کتاب سبویه را به طور مستقل با عنوان ضرورة الشعر در 1364 ش / 1985 در بیروت به چاپ رسانده است. محمد عبدالمطلب بکاء نیز بخشی از شروح سیرافی بر کتاب، را که اعلم الشتمری* بدون ذکر نام از آن استفاده کرده، با عنوان فوات کتاب سبویه من ابیة کلام العرب در 1379 ش / 2000 در بغداد چاپ کرده است (نیز ← بکاء، ص 202-206).

2) ابو محمد یوسف بن حسن. در 330 زاده شد و مانند پدرش، دین دار و پرهیزگار بود و از راه فروش روغن امرار معاش می کرد (قفطی، ج 4، ص 63؛ ابن خلکان، ج 7، ص 73-74). ابو محمد در عربی و لغت سرآمد و با علوم دیگر تاحد زیادی آشنا بود. او از محضر پدرش بهره برد و در زمان حیات وی، راه گشای مسائل درس آموزان بود و پس از مرگ پدر، سرپرستی مجلس او را برعهده گرفت (یاقوت حموی، 1993، ج 6، ص 2847؛ قفطی، ج 4، ص 61، 63).

او کتاب الافتاح پدرش را طوری به پایان رساند که بین نگاشته آن دو تفاوت چندانی دیده نمی شود (یاقوت حموی، همانجا؛ قفطی، ج 4، ص 61-62). ابو محمد در تألیف و تحقیق جدی بود؛ چنان که برای تألیف شرح ابیات اصلاح المنطق ابن سکیت*، چهل دیوان شعر را بررسی کرد. تألیف دیگر وی، شرح ابیات کتاب سبویه، در نوع خود بی نظیر بود. شرح ابیات المجاز لابی عبیده، شرح ابیات معانی الزجاج، و شرح ابیات الغریب المصنف از دیگر تألیفات اوست (یاقوت حموی، همانجا؛ قفطی، ج 4، ص 62؛ ابن خلکان، ج 7، ص 72-73). قفطی (همانجا) شرح ابیات المجاز لابی عبیده، شرح ابیات معانی الزجاج، و یادداشت های ابومحمد را بر کتاب البارع مقفل بن سلمه* (متوفی 290) و خلاصة العین خلیل بن احمد* دیده و شرح ابیات الغریب المصنف را شنیده بود (برای اطلاع از نسخه های خطی این تألیفات ← قفطی، ج 4، ص 62، پانویس 3-2؛ بروکلمان، ج 2، ص 127، 188، 206).

ابومحمد بعد از پدر چندان عمر نکرد. او در 385 در 55 سالگی درگذشت و ابوبکر محمد بن موسی خوارزمی (متوفی 403) بر پیکرش نماز خواند (ابن جوزی، ج 14، ص 382؛ قفطی، ج 4، ص 63).

منابع: ابن ابی الوفا قرظی، الجواهر المضية فی طبقات الحنفیة، چاپ عبدالفتاح محمد حلو، بیروت 1413/1993؛ ابن انباری، نزهة الالباء فی

1. Rieu

2. Rizvi